

# شیپوری که از سر گشادش نواخته میشود

**ماجرای کشف حجاب و گام بلندی که رضاشاه برای فعالیت اجتماعی زنان برداشت**  
با کشف حجاب، زنان از چادر و چاقچور بیرون آمده و با کلاه و کت و دامن، پوششی که برای آن دوران معقول و برای این دوران پوشیده و برای جمهوری اسلامی بی‌حجابی به شمار می‌رود، در اماکن عمومی ظاهر می‌شدند.

پاسخ مساعد داد و قانون و حکومت را پشتوانه آن ساخت. کجای این کار عیب و ایراد دارد؟ چون به نظر بعضی‌ها جامعه آن را نمی‌خواست یا برایش آماده نبود، نباید انجام می‌شد؟ مگر همین امروز که دولت‌های دمکراتیک قوانین اصلاحی مثلاً درباره محدودیت تأمین اجتماعی تصویب و اجرا می‌کنند، جوامع‌شان که آنها را نه مانند رضاشاه بلکه به شکل دمکراتیک روی کار آورده‌اند، می‌خواهند؟! به نظرخواهی‌های علمی و مداوم در این جوامع نگاه کنید که با وجود مخالفت، با این همه چطور این قوانین تصویب و

اصلاً کشف حجاب در آن دوران، ممکن نمی‌شد! رضاشاه برای پیشبرد این اقدام اصلاحی عظیم تمام قد در برابر روحانیستی ایستاد که هنوز پس از هفتاد سال در حال تبلیغ مداوم علیه کشف حجاب است! نمی‌شود یک اقدام اصلاحی را درست دانست، ولی قرار دادن قدرت قانون و تضمین دولتی در پس آن را نادرست ارزیابی کرد! اصلاً بیستمین زنان در ۱۳۱۴ اساساً چقدر در جامعه حضور داشتند که پخشنامه کشف حجاب آنان را مجبور به برداشتن چادر از سر خود بکند! تقریباً هیچ! نباید شیپور را از سر گشادش نواخت، وگرنه



در فاصله بین ۱۳۱۴ که پخشنامه کشف حجاب ابلاغ شد تا ۱۳۲۰ که رضاشاه مجبور به ترک ایران گشت تنها شش سال فاصله است. در همین مدت کوتاه کشف حجاب چنان در جامعه جا افتاد که دیگر داشتن یا نداشتن آن فکر کسی، جز آخوندها و خانواده‌های سنتی و مذهبی را مشغول نمی‌کرد



قانونی و از بالا بلکه اختیاری و از پایین می‌بود، آخوندها همان دماری را از روزگار زنان و مردان متجدد و طرفدار کشف حجاب در می‌آوردند که چهل سال بعد پس از انقلاب اسلامی و تا به امروز از آنها در می‌آورند!

با کشف حجاب، زنان از چادر و چاقچور بیرون آمده و با کلاه و کت و دامن، پوششی که برای آن دوران معقول و برای این دوران پوشیده و برای جمهوری اسلامی بی‌حجابی به شمار می‌رود، در اماکن عمومی ظاهر می‌شدند. در فاصله بین ۱۳۱۴ که پخشنامه کشف حجاب ابلاغ شد تا ۱۳۲۰ که رضاشاه مجبور به ترک ایران گشت تنها شش سال فاصله است. در همین مدت کوتاه کشف حجاب چنان



را به چیزی نمی‌گیرند بلکه از این رو که این دولت‌ها مسئولیتی را در برابر سرنوشت کشور و آیندگان بر عهده دارند که نظردهندگان و عامه مردم ندارند! در عین حال، اگر قرار بود کشف حجاب نه به صورت

راه زنان را در فعالیت اجتماعی بگشاید! اگر زنان با همان پیچه و چادر و چاقچور در اجتماع فعال می‌بودند، چه بسا رضاشاه اساساً به این فکر نمی‌افتاد که به کشف آن بپردازد! درست همان گونه که امروز چون چنین حضوری وجود دارد، ایده پوشش اختیاری در جامعه جا باز می‌کند. حتی تاسرالدین شاه نیز در سفرهای خود به فرنگ متوجه این تفاوت شده بود و اندیشه کوتاهی در مورد رابطه حجاب با تشریح اجتماعی زنان چون ساقه از ذهن‌اش گذشت لیکن تنگاتنگی رابطه دربار و روحانیت و هم چنین واپس ماندگی ذهنی خود شاهان قاجار بیش از آن بود که کشف حجاب از درون دربار فراتر رود. این همه در حالیست که نخستین جرقه‌های نیاز به این اصلاح بزرگ در وضعیت زنان را پیش از رضاشاه و در اشعار و نوشته‌های روشنفکران متجدد آن دوران می‌توان باز یافت. رضا شاه در واقع به خواست کساست... مانند ایرج میرزا و پروین اعتصامی اجرا می‌شوند. نه به این دلیل که دولت‌های این کشورها نظر مردم

## الامه بفراط

ها گرم می‌شود و دوباره گشت‌های ویژه رژیم که در عین حال محل درآمدی است برای نانخورهای مؤمنی که از کمترین آموزش علمی و تخصص حرفه‌ای برخوردارند، در خیابان‌ها جولان می‌دهند و مزاحم مردم به ویژه زنان و دختران می‌شوند. یک مزاحمت قانونی و دولتی مداوم و تحقیرآمیز که پیش از جمهوری اسلامی علیه زنان، چه بی حجاب و چه با حجاب، وجود نداشت.

## اجرا و اجبار

کشف حجاب اجباری را جمهوری اسلامی باب کرد، یعنی اجباری را جمهوری اسلامی به دنبال کشف حجاب چسباند تا بتواند حجاب اجباری خود را بهتر در جامعه جا بیندازد. برخی، حتی از میان مدافعان حقوق زنان و حقوق بشر، نیز درام آن افتادند و در یک همراهی تاخواسته در بلندای دمکرات‌ترین نظرات جهان ایستاده و به رضاشاه ایراد می‌گیرند که چرا دمکراتیک رفتار نکرده و از بالا به کشف حجاب پرداخته است! گذشته از اینکه هر اقدام اصلاحی اساساً از بالا ممکن می‌شود ولی بدون قهر دولتی آن هم در شکل پخشنامه،

صدای جمهوری اسلامی از آن در می‌آید چرا که با تکیه بر اجباری بودن کشف حجاب این واقعیت مهم فراموش می‌شود که اتفاقاً کشف حجاب برای این بود که تازه

در جامعه جا افتاده که دیگر داشتن یا نداشتن آن فکر کسی، جز آخوندها و خانواده‌های سنتی و مذهبی را مشغول نمی‌کرد. همین

### شیبوری که از سر گذاشت

نشان می‌دهد که جامعه از نظر فرهنگی و اقتصادی آماده پذیرش حضور زنان با هر پوششی که می‌داشتند، بود. تا تثبیت جمهوری اسلامی، هیچ محدودیتی برای دختران و زنانی که با روسری یا چادر در محل درس یا کار حاضر می‌شدند وجود نداشت تا جایی که رژیم کنونی حجاب را با زور دوباره به جامعه تحمیل کرد. حتی حجاب اسلامی، به شکل روپوش و روسری در رنگ‌های تیره و عمدتاً سورمه‌ای یا سیاه با دختران دانشجوی مذهبی از سال ۵۶ به کسی مانع آنان نبود. ولی آنها با این نوع پوشش، تفاوت خود را با زنان دیگر و هم چنین مردان هم‌کیش خود اعلام می‌کردند! درست همان چیزی که هدف سیاسی و ایدئولوژیک حجاب اجباری است.

تفاوت بزرگ کشف حجاب و حجاب اجباری که برخی آن را با چسباندن اجباری به کشف حجاب دو روی یک سکه قلمداد می‌کنند، در این است که کشف حجاب ۷۴ سال پیش راه زنان ایران را به سوی زندگی اجتماعی و تلاش برای برابری حقوقی با مردان گشود، لیکن حجاب اجباری ۴۵ سال بعد تلاش کرد تا این راه را مسدود کند و البته نتوانست زیرا نیم قرن حضور فزاینده زنان، از نیابت سلطنت (گفتر سیاسی آخوندها) تا وزارت و سفارت و قضاوت و دانش و هنر و ادبیات و ورزش، آن را ناممکن می‌ساخت. حضوری که با چادر و چاقچور امکان نداشت.

ولی این را نیز نباید فراموش کرد که رضاشاه بدون پشتیبانی بخش اندکی از روحانیت که بنیانگذاران جمهوری اسلامی و برخی جریان‌های چپ و ملی آنها را «درباری» می‌خواندند نمی‌توانست به این مهم جامه عمل ببوشاند. روحانیتی که بخشی از آن خیلی زود رنگ عوض کرد و به خدمت جمهوری اسلامی درآمد و بخشی دیگر در برابر آن ایستاد و با توطئه و نیرنگ از میان برداشته شد.

پوشش اختیاری

اینک نیز در میان مدافعان حقوق زنان مرتب از اجباری یا اختیاری شدن حجاب سخن می‌رود و اینکه اگر کسی دوست داشت می‌تواند حجاب داشته باشد. این پرسش بنیادی اما کمتر مطرح می‌شود که اساساً به چه دلیل یک زن باید حجاب را ترجیح دهد و آن را به طور اختیاری استفاده کند؟ آیا، اگر نخواهیم رسالت سیاسی حجاب اسلامی را در دوران کنونی در نظر بگیریم، چیزی جز عقاید مذهبی پشت آن نهفته است؟! تفاوت دیگر حجاب اجباری و کشف حجاب به مثابه دو اقدام حکومتی در همین نکته نهفته است: حجاب اجباری یک تحمیل مذهبی و ایدئولوژیک است که بر تبعیض جنسیتی و محدودیت نقش زنان در جامعه تأکید می‌کند، حال آنکه کشف حجاب یک اقدام غیرایدئولوژیک، مدرن و مرفقی و تأکید بر نقش زنان در جامعه و نخستین گام برای کاهش تبعیض جنسیتی بود.

پیش از جمهوری اسلامی، در حالی که هیچ زنی به خاطر استفاده از روسری و چادر از تحصیل در مدرسه و دانشگاه و یا کار در هر محلی که بود، محروم نمی‌شد حتی برای بخش‌هایی از جامعه که بافت

مذهبی و سنتی داشتند، تسهیلاتی در نظر گرفته می‌شد تا با جلب اعتماد خانواده‌های مذهبی و سنتی بتوان دختران آنان را به عرصه آموزش و فعالیت‌های اجتماعی جلب کرد. کم نبودند دخترانی که حجاب از سوی خانواده آنها به آنان تحمیل شده بود و آنها در پناه نهادهای دولتی می‌توانستند ابراز وجود کنند. آنها ناراضی خود را از این تحمیل خانوادگی که زنان و مادران نیز در کنار پدران و برادران در آن نقش داشتند، به این گونه نشان می‌دادند که دو گوجه آنورتر یا در خانه دوست، روسری یا چادر را برداشته و به هنگام بازگشت به خانه آن را دوباره بر سر می‌کردند. کم نبودند کارمندانی در همه عرصه‌های فعالیت اجتماعی و اقتصادی که از روسری و چادر استفاده می‌کردند. امکان پوشش اختیاری در دوران محمدرضاشاه همزمان با گسترش رادیو و تلویزیون و مطبوعات و بالا رفتن سطح آموزش که تا دانشگاه به طور رایگان و همراه با کمک‌های جنسی (کتاب و تغذیه رایگان) و مالی (کمک هزینه) ارائه می‌شد، و

همین خاری در چشم آخوندهای مرتجع بود که منابع قدرت خود را از دست می‌دادند، استفاده از روسری و چادر را به حاشیه راند. بیهوده نبود که تحمیل حجاب اجباری به جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی نزدیک به سه سال طول کشید و نخستین زمره خمینی برای حجاب اجباری در ۱۷ اسفند ۱۳۷۵ با چنان اعتراضی از سوی زنان روپرو شد که خمینی حرف خود را پس گرفت و پس از تثبیت پایه‌های حکومت خود، آن را نخست در نهادهای دولتی، سپس در بخش خصوصی و آنگاه در خیابان‌ها و اماکن عمومی تحمیل کرد.

امروز نیز هنگامی که از اختیاری بودن حجاب سخن می‌گوییم، باید به این بیندیشیم چه کسی از حقوق و سلامت روانی کودکان و دختران جوانی حمایت خواهد کرد که زیر فشار خانواده مجبور به استفاده از حجاب به هر شکلی می‌شوند؟ قانون چه تدابیری برای دفاع از آنان خواهد اندیشید؟

این سخنان نه در دفاع از سلسله پهلوی که بسی بیش از آنچه کرد می‌بایست در خدمتگزاری به مردم انجام می‌داد و در مقایسه با پیش از خود یعنی جمهوری اسلامی، اتفاقاً کاملاً قابل دفاع است، بلکه در دفاع از آن حقوقی است که آن سلسله امکان تحقق آنها را فراهم آورد. همین امروز نیز اگر جمهوری اسلامی، به فرض محال، اصلاحاتی را به پشتوانه قانون و قدرت دولتی برای دفاع از حقوق مردم، از جمله زنان، به انجام برساند، باید از آن دفاع کرد. این دفاع نه از این رژیم بلکه از آن اقدامات اصلاحی است. اما آیا کسی تردید دارد که حجاب جمهوری اسلامی ایران، با کشف حجاب آن هم درست مانند رضاشاه از بالا حکم ناپودی خود را صادر خواهد کرد، درست برعکس رضاشاه که نام‌اش با آزادی زنان گره خورده است؟! آیا برای شما یک نظام اسلامی که در آن زنان اختیار پوشش خود را داشته باشند، تصویرپذیر است؟! بیهوده نیست که حجاب اجباری حکم علامت دور انداختن و تاریخ مصرف را برای جمهوری اسلامی دارد.